



## بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل

سودابه محمدزاده<sup>۱</sup>، حسین سلطانزاده<sup>۲\*</sup>، امیرمسعود دباغ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. smohammadzadeh83@gmail.com  
<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir  
<sup>۳</sup> گروه معماری، دانشگاه سوره، تهران، ایران. dabagh@soore.ac.ir

### چکیده

منظور از جنسیت و سبک زندگی نوعی پدیده اجتماعی شده جنسیت است که روی فضای معماری تأثیر گذاشته است. هدف پژوهش این است که با بررسی جامعه آماری ارتباط بین جنسیت و معماری خانه‌های قاجاری اردبیل با در نظر گرفتن مکان مطبخ بررسی و تحلیل شود. پرسش تحقیق این است که موضوع جنسیت چگونه در طراحی و ساخت خانه‌های قاجاری اردبیل نقش داشته است؟ در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی، و تاریخی-تفسیری استفاده شده است. جامعه آماری، خانه‌های قدیمی شهر اردبیل است که از بین آن‌ها ۶ نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی از کتب و مقالات؛ و مشاهده میدانی انجام شده است. مبانی نظری تحقیق بر این دیدگاه استوار است که سبک زندگی و جنسیت در شکل معماری خانه‌های اردبیل بازتاب داشته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در دوران قدیم، سبک زندگی و جنسیت بر چگونگی و ساخت خانه‌ها تأثیر داشت. به عبارتی دیگر، زنان به علت اوضاع اجتماعی آن دوره‌ها باید از دید نامحرمان به دور می‌بودند. چون زمان بسیاری را در مطبخ سپری می‌کردند به همین دلیل از آنجا می‌توانستند فضای بیرون یعنی حیاط را ببینند، متوجه آمدن و حضور میهمانان شوند و در عین حال نباید کسی از درون حیاط دید به آن‌ها داشته باشد. این پدیده سبب شد که اغلب مطبخ‌ها در شهر اردبیل در زیرزمین خانه ساخته شوند.

### اهداف پژوهش:

۱. مشخص کردن رابطه سازماندهی فضا در خانه‌های قاجاری اردبیل با مسئله جنسیت.

۲. مشخص کردن رابطه جایگاه زنان و ویژگی‌های معماری عمارت‌های دوره قاجار در اردبیل.

### سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه‌ای بین هویت جنسیتی و هویت فضایی در عمارت‌های مسکونی دوره قاجار در اردبیل وجود دارد؟

۲. ویژگی‌های معماری در خانه‌های شهری اردبیل در دوره قاجار چگونه از هویت جنسیتی و جایگاه اجتماعی، مذهبی و موقعیت زنان و مردان تأثیر پذیرفته است؟

\*\* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول با عنوان: «نقش جنسیت در شکل‌گیری فضا در خانه‌های تاریخی (بررسی موردی: خانه‌های دوره صفویه و قاجار در شهرهای اردبیل و خرم‌آباد)» است که با راهنمایی دکتر حسین سلطانزاده و مشاوره دکتر امیرمسعود دباغ در دست انجام است.

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۵۲۴ الی ۵۴۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

جنسیت،  
سبک زندگی،  
خانه‌های قاجاری اردبیل،  
مطبخ.

### ارجاع به این مقاله

محمدزاده، سودابه، سلطانزاده، حسین، دباغ، امیرمسعود. (۱۴۰۱). بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۵۲۴-۵۴۵.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708,1401,19,47,31,9](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.344544.1973)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.344544.1973](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.344544.1973)



## مقدمه

درباره معماری خانه‌های مسکونی ایران در دوره قاجار و ارتباط آن با سبک زندگی و جنسیت مطالعات زیادی صورت نگرفته است. با توجه به تغییرات اقلیمی و همچنین تحولات گوناگونی که در دوره قاجار به وجود آمد، خانه‌های مسکونی در این دوران دارای تنوع و تفاوت‌هایی در سراسر ایران هستند؛ از این‌رو، رویکرد اصلی این پژوهش اهمیت جایگاه زن (جنسیت) و تأثیر آن بر فضای معماری خانه‌هاست. لذا سعی شده است خوانش فضا در رابطه با جنسیت و سبک زندگی و تغییرات آن در دوره قاجار با نگاهی ژرف مورد مطالعه قرار گیرد و بازتاب آن در معماری خانه‌ها بررسی شود. نمونه‌های مورد مطالعه از منطقه جغرافیایی اردبیل انتخاب شده‌اند که دارای قدمت تاریخی زیادی است. در این تحقیق خانه‌های اعیانی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ زیرا خانه‌های مردم عامه در این دوران بیشتر تحت تأثیر اقلیم بود. همچنین نمونه‌های قابل مطالعه و دارای ارزش از خانه‌های مردم عامه در آن دوران موجود نیست. در نمونه‌های اعیانی به دلیل اینکه کمتر تحت تأثیر اقلیم هستند، بهتر می‌توان تأثیر سبک زندگی و جنسیت را بررسی کرد زیرا در خانه‌های اشرافی به دلیل شرایط خاص زندگی ساکنین آن، و همچنین گستردگی ساختار خانواده، نوع زندگی تابع شرایط اجتماعی و مرد خانواده است.

جنسیت، مفهومی است که از طرق اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ایجاد می‌شود و در خلال زمان و مکان دست‌خوش تغییر است. بنابراین رابطه میان جنسیت و فضا یکی از ابعاد ارتباط میان فرهنگ و فضای معماری است (فلسفی، ۱۳۴۷). با مروری تاریخی درمی‌یابیم که جایگاه اصلی زن ایرانی، بخشی از خانه به نام اندرونی است که تقریباً تمام سفرنامه‌نویسان و حتی تاریخ‌نگاران داخلی بر آن اذعان دارند؛ و از زنانی در حال سرک‌کشیدن از پس دیوارهای بلندی که معمولاً پنجره‌ای به بیرون ندارد یاد می‌کنند (سرن، ۱۳۶۲). خانه‌های سنتی ایرانی به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شدند که زنان معمولاً در بخش بیرونی حاضر نمی‌شدند. به نظر می‌رسد محدودیت زن ایرانی و ارتباط آن با معماری خانه‌های ایرانی غیرقابل انکار است.

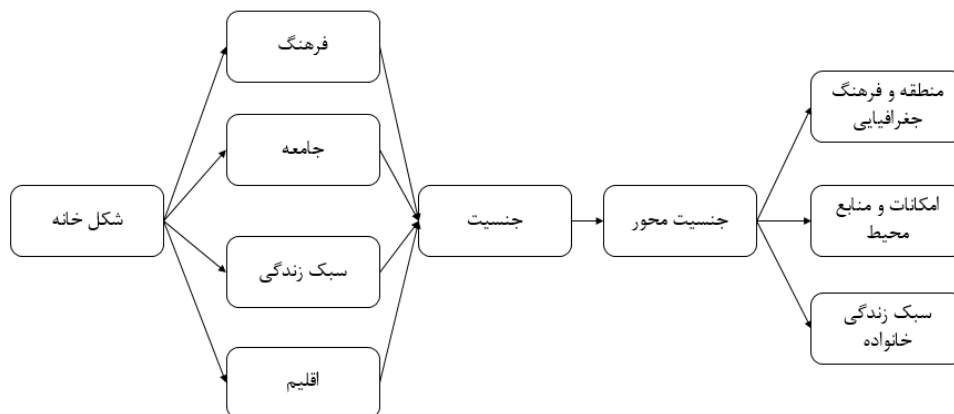
زندگی زنانه در فرهنگ ایرانی در دو فضای کاملاً تعریف شده امکان داشت: اول در خانه پدر، دوم در خانه شوهر. به نظر می‌رسد که حالت سومی وجود نداشت. این تعریف تنها نوعی نام‌گذاری فضایی نبود؛ بلکه بخشی از اجبارهای عریض و طویل و نامحدود مناسبات اجتماعی است که زنان را به‌عنوان عنصری متعلق به حوزه خصوصی مردانه معرفی می‌کرد (صفری: ۱۳۷۰). در سال‌های گذشته فضای اندرونی و کنترل‌شده به آهستگی، مفهوم مکانی خاص خود را برای همیشه از دست داد؛ سپس توانایی انتقال از خانه به محله و فضاهای بزرگ شهری را پیدا کرد. این توانایی نه تنها در عرصه‌های عمومی شهر نمودار شد بلکه به‌نوعی چگونگی حضور زنان در محیط شهری را تحت تأثیر قرارداد (Anonimouse, ۲۰۱۱). روابط اجتماعی و زندگی روزمره زنان شهری ایرانی در گروه‌های سنی و طبقاتی مختلف، متفاوت و حتی در برخی موارد به شدت محدود است (Dickson, ۱۹۸۱). در دهه اخیر جامعه ایرانی با ورود بیش از پیش زنان و دختران جوان به محیط‌های کار و آموزش که در تناقض با دیدگاه‌های سنتی بود، مواجه شد (نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). شایان ذکر است که بسته‌بودن فضای فعالیت زنان و حاکمیت قوانین اندرونی هنوز در بسیاری از محله‌های قدیمی و نزد خانواده‌های سنتی وجود دارد (Gholsorkhi, ۱۹۹۵, ۱۴۳). در اغلب محله‌های سنتی کوچه‌ها و بن‌بست‌ها در امتداد خانه‌ها قرار دارند و به‌نوعی فضای گذر از فضای بسته خانه به فضای بزرگ

شهر تلقی می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، مانوئل کاستلز در تحلیل روابط مردسالارانه سرزمین آسیا را مجزا کرد و متذکر شد که سرزمین آسیا با روند تمدن مغرب زمین همراه نبوده است و هنوز مردسالاری در آن جا حکومت می‌کند و به‌ندرت به چالش طلبیده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۳۰). تفاوت بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی، کار بیرون و کار درون خانه و تقسیم نقش خانگی و نقش اجتماعی در شهرهای شمال غربی بیشتر از شهرهای نقاط دیگر دیده می‌شود. برای مثال؛ حضور زنان در فضاهای عمومی شهرهای شمال غربی ایران در زمین‌های کشاورزی و انواع دیگر کارها برای تأمین مخارج خانواده امری غیر قابل پذیرش بود. (کاظمی: ۱۳۸۸). بنابراین این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است: موضوع جنسیت در اردبیل چگونه بر پلان‌های خانه و به‌خصوص محل مطبخ تاثیرگذار بوده است؟ دریچه و پنجره‌های موجود در مطبخ‌های اردبیل چه کاربردی داشته‌اند؟

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به‌رشته تحریر درنیامده است اما در پژوهش‌های متعددی به بررسی سازه‌های معماری ایرانی و مطبخ یا آشپزخانه پرداخته شده است. ناری قمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی - فرهنگی آن» مفاهیم فرهنگی - اجتماعی آشپزخانه در زندگی امروزی از دیدگاه زن ایرانی در شهر قم را بررسی کرده است و بر اساس یک پژوهش پیمایشی در پی بازتعریف مؤلفه‌های تعریف شده از این فضا توسط زنان است. آزاد ارمکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «آپارتمان‌نشینی و آشپزخانه در ایران» در صدد کاوش تجربه زیست زنان ایرانی در آشپزخانه‌های باز از طریق مصاحبه با زنان تهرانی است. در تحقیقات اشاره شده، مؤلفه‌های فرهنگی در ارتباط با زنان در آشپزخانه‌های معاصر بررسی و ارزیابی شده است. در سایر مقالات نیز ضمن بررسی گونه‌شناسی خانه ایرانی و مفاهیم فرهنگی مرتبط با آن به این موضوع در ضمن تحلیل‌های کلی و گاه شخصی (بدون بررسی میدانی) اشاره شده است، اما تحلیل عمیقی درباره تأثیر مدرنیزاسیون این فضا به‌ویژه در میان اقشار مختلف صورت نگرفته است / یگانه نمونه قابل ذکر، اثر حائری (۱۳۸۸) در کتاب «خانه، فرهنگ، طبیعت» است.

در حوزه منابع خارجی در ارتباط با روند تحول در معماری فضای آشپزخانه و تکنولوژی، کتاب «طراحی آشپزخانه» بادن پاول (Baden Powell) در سال ۱۹۹۷، ضمن بررسی الگوهای استاندارد طراحی آشپزخانه، تاریخچه‌ای مختصر از روند تغییر از شومینه‌های باز تا خوراک‌پزهای امروزی دارد که نشان می‌دهد به‌طور کلی تغییرات اجتماعی و ابداعات فن‌آوری باعث کاهش مدت زمان کار در آشپزخانه شده است و یا کتاب «در خانه: انسان‌شناسی فضای خانگی» که مشتمل بر ۱۲ مقاله با تمرکز بر فضای خانگی غربی به ویراستاری آیرین سیراد (Cieraad Irene) در سال ۲۰۰۶ است. این کتاب با توجه به یک تحلیل اجتماعی در فعالیت‌های خانگی مانند لباس شستن، غذا خوردن و ...، نگاهی نو به فضاهای زنان به ویژه آشپزخانه و غذاخوری دارد. این پژوهش که بیشتر از زاویه اجتماعی - فرهنگی و انسان‌شناسی به مقوله معماری در خانه می‌پردازد، فاقد هرگونه مستندات تصویری و تحلیلی معماری است.

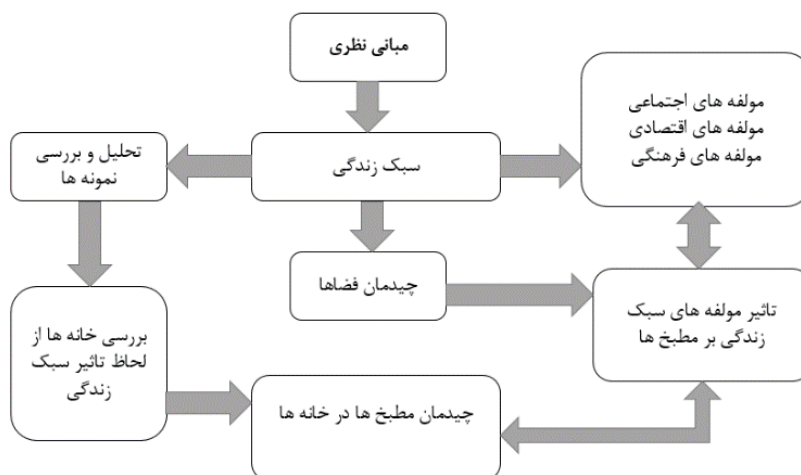
## نمودار ۱- جنسیت و عوامل مهم در شکل خانه



(منبع: نگارندگان)

پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد و به صورت توصیفی-تحلیلی و تاریخی-تفسیری است. در دو بخش کتب و مقالات در دسترس و زمینه اسناد اعم از سفرنامه‌ها و ... تهیه گردیده است. بخش اعظم اطلاعات، مستخرج از کتب و مقالات بوده است که توسط نگارندگان مورد بازخوانی قرار گرفته است. محدوده زمانی پژوهش دوره قاجار می‌باشد. در این پژوهش متغیر مستقل جنسیت و متغیر وابسته چگونگی طراحی خانه و به‌ویژه آشپزخانه می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها علاوه بر مواردی که در بالا گفته شد همچنین به صورت میدانی از خانه‌ها بازدید به عمل آمده است. جامعه آماری ۱۶ خانه قاجاری اردبیل بوده که تمامی آن‌ها بازدید شده و مورد تحلیل قرار گرفته اند که همگی آن‌ها از لحاظ ساختار مشابه بوده که از بین آن‌ها ۸ مورد انتخاب شدند و انتخاب آن‌ها براساس در دسترس بودن خانه‌ها برای انجام عکس برداری بود.

## نمودار ۲- مدل تحلیلی پژوهش



(منبع: نگارندگان)

## ۱. رابطه جنسیت و سبک زندگی

عامل جنسیت به‌عنوان یک عامل اجتماعی و متأثر از فرهنگ، مطرح می‌گردد؛ و در فرهنگ‌های مختلف و همچنین در طول زمان تغییرپذیر است. از دهه ۸۰ میلادی-همانند سایر علوم-لزوم پرداختن به رابطه بین جنسیت و معماری مطرح شد. به سال ۱۹۹۲ در خلال موج سوم جنبش برابری‌طلبی زنان،<sup>۱</sup> کتاب "جنسیت و فضا"<sup>۲</sup>، توسط بتانریس کولومینیا<sup>۳</sup>، چاپ گردید (Colomnin, ۱۹۹۲). موضوع جنسیت و معماری مبحثی پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری‌طلبی زنان در سایر زمینه‌ها الهام می‌گیرند؛ زیرا مطالعات پایه در رابطه با موضوع جنسیت متعلق به این گروه بود و اشاره به مطالعات آنان اجتناب‌ناپذیر است. اما براساس تعریف جنسیت و توجه به این مهم که رفتارها و نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند (Welch, ۱۹۷۲). بدین‌معنی که هر جامعه برای بررسی و حل مسائل و مشکلات، پاسخی بومی دارد که باید در قالب فضای فرهنگی و اعتقادی خود به آن پرداخته و مورد قضاوت قرار گیرد (Stuart mill, ۱۸۶۹).

میان نقش و جنس، همواره رابطه عینی معناداری برقرار بوده است. تقسیم کار براساس جنس، تقریباً در همه جوامع رخ داده است. نقش‌های جنسیتی یعنی وظایف و انتظاراتی که برعهده هر یک از دو جنس گذاشته شده است (جهانی، ۱۳۹۶: ۳۸۵). در دوره مدرن با تمایز بین کار مردانه که در خارج از خانه انجام می‌شود و کار زنان که در خانه تعریف شده است، سامان دادن امور خانه از قبیل نظافت خانه، شست‌وشوی لباس، پخت غذا، نگهداری از کودکان و به‌طور کلی مسائلی که با خانه در ارتباط است، برعهده زنان گذاشته شده است. از این‌رو تقسیم کار جنسیتی و تقسیم جنسیتی فضا متقارن با یکدیگر شکل گرفت (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲: ۶۴). راپاپورت، مناسبات جنسیتی را به‌عنوان بخشی از عوامل فرهنگی - اجتماعی می‌داند که در نحوه شکل‌گیری خانه نقش دارد: "خصوصیاتی مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن هر دوره تاریخی مؤثر بوده اند" (Rappaport, ۱۹۶۹). تفاوت در نقش‌های جنسیتی براساس عوامل مختلفی از قبیل وضع اقتصادی، محیط‌زیست، استراتژی‌های سازگاری و درجه پیچیدگی جوامع تبیین و تعریف می‌شود و به‌صورت بدیهیات در مورد مشخصه‌های زن یا مردبودن در اذهان جوامع نقش می‌بندد (نرسیسیانس: ۱۳۹۰).

نقش‌های جنسیت را می‌توان به‌عنوان رفتارهای مورد انتظار، نگرش‌ها، وظایف و رجحان‌هایی که یک جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد، تعریف کرد (Keller, ۱۹۹۴, ۸۴). دیدگاه‌های جامعه‌پذیری معتقدند که رفتار و نقش مناسب برای مردان و زنان تا حدی به آموزه‌هایی برمی‌گردد که در طول جامعه‌پذیری داشته‌اند (South, ۱۹۹۴). نقش‌های جنسیتی، نقش‌هایی است که به‌لحاظ فرهنگی، مجموعه‌ای از رفتارهایی را که براساس جنسیت تفکیک یافته‌اند،

<sup>۱</sup> -Fimnism

<sup>۲</sup> - Sexuality and Space؛ این کتاب اولین مجموعه از کارهایی بود که ایده‌های ایجاد شده درباره جنسیت را به سایر زمینه‌ها نظیر انسان‌شناسی، تاریخ هنر، مطالعات فرهنگ، تئوری فیلم، جغرافیا، روانشناسی و فلسفه، برای ایجاد مطالعات معماری کشاند.

<sup>۳</sup> -Beatriz Colomina

تعریف می‌کند؛ و ایدئولوژی نقش جنسیتی به قضاوت‌های ارزشی درباره نقشه‌ای مناسب زنان و مردان، یا نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که هر یک از دو جنس باید به نمایش بگذارند، اشاره می‌کند (Gibbons, ۱۹۹۷, p ۱۵۳). چودورو (chodorow) تقسیم‌کار جنسیتی (درون خانه، بیرون خانه) را بنیان شکل‌گیری هویت جنسیتی دانسته است. برخی محققان در تعیین هویت جنسیتی، ساختار خانواده را مؤثر دانسته و در این حیطه، به عوامل قدرت، نظام پدرسالاری یا مادرسالاری و شیوه خانواده گسترده یا هسته‌ای اشاره داشته‌اند. بخشی از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده به کارکرد نقش‌های سنتی جنس زن و مرد برمی‌گردد (Ritzer, ۱۹۷۹, ۲۷). مردان باید در قلمرو عمومی و سیاست به کسب درآمد و تأمین خانواده خود بپردازند و زنان باید خانه‌نشین قلمرو خانگی باشند، به شوهر و فرزندان برسند و به حمایت مالی شوهر تکیه کنند (Davidoff, ۱۹۷۶, ۵۶). به این ترتیب، از مجموعه آنچه گفته شد، طبقه اجتماعی و هنجارهای مربوط به آن (شاخص اجتماعی)، شیوه معیشت (شاخص اقتصادی) و آموزه‌های فرهنگی (شاخص فرهنگی) در شکل‌دهی به مفهوم جنسیت و نقش‌های جنسیتی در هر جامعه از شاخصه‌ای مهم هستند.

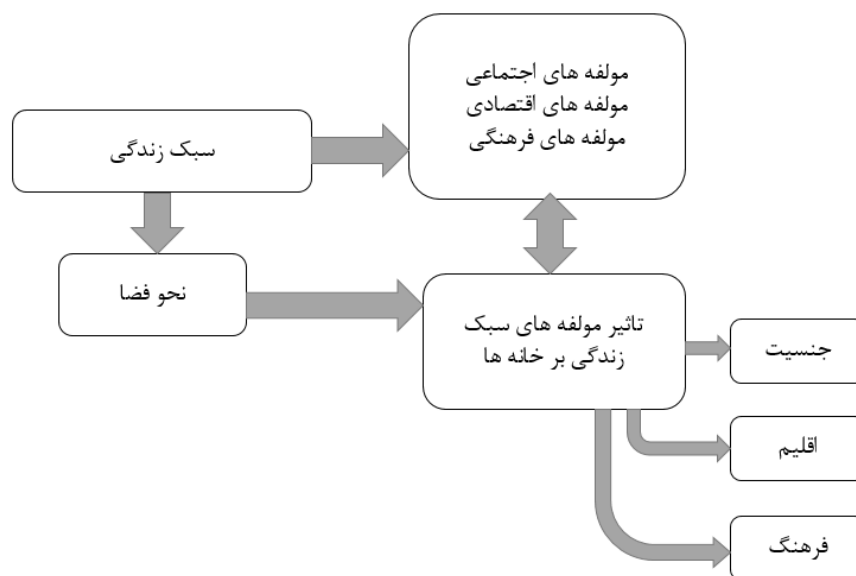
با توجه به تأثیر مباحث اجتماعی و فرهنگی در معماری موضوعی است که پژوهشگران بسیاری بدان پرداخته‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران امروز بر این عقیده‌اند که در تنظیم مبانی نظری طراحی، مسئله اصلی، نوع نگرش به انسان و تبیین رابطه او با محیط‌های ساخته شده می‌باشد (Sirna, ۱۹۸۴). زمان گذشته سبک زندگی مردم بر تمام جوانب زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذاشت مانند معماری و خانه‌سازی که در آن حریم‌ها رعایت می‌شد و اهل خانه آرامشی داشتند که در خانه‌های امروز اثری از آن نیست. خانه‌های قدیمی و معماری بومی و اصیل، بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند (Parker, ۲۰۰۴). آن وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و فولاد محصور نشده بودند، با خاک و سنگ، آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضاهایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است (Marcus, ۲۰۰۶: ۸۴). با گذشت زمان ساختار معماری در محیط جغرافیایی هر ناحیه تغییر کرده است در صورتی که سبک معماری بومی، اصیل و تاریخی خاص هر ناحیه بر اساس اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ و سبک زندگی مردم هر ناحیه طراحی می‌شده است (Orhun, ۱۹۹۵: ۴۷۵). نکته قابل توجه وضعیت مطبخ یا آشپزخانه بود، با توجه به اینکه غریبه‌ها نباید درون مطبخ را می‌دیدند، مطبخ از یک راه دسترسی دیگر برخوردار بود و برای اینکه اعضای خانه بیرون از مطبخ را مشاهده کنند پنجره‌های سنگی قرار داشته که از داخل مطبخ، بیرون آن قابل مشاهده هست اما فردی که بیرون ایستاده درون مطبخ را نمی‌توانست مشاهده کند. مجموع این مشخصات فیزیکی، سبک زندگی خاصی را در دوره قاجاریه تشکیل داده که بر روی معماری خانه آن دوران تأثیرگذار بوده است که از آن به‌عنوان «بایدها و نبایدها» یاد می‌شود (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ۴۲۵).

## ۲. جنسیت و شکل خانه

جنسیت همواره جزئی از زندگی اجتماعی افراد محسوب شده و تمام ابعاد زندگی و فعالیت‌های روزمره را حتی در خردترین مقیاس آن تحت تأثیر قرار می‌دهد (Stuart Mill, ۱۸۶۹). جنسیت، مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. مفهوم جنسیت اشاره به تفاوت‌های

مردانگی و زنانگی دارد که در بستر اجتماعی و فرهنگی و عمدتاً از طریق آموزش و هنجارها باعث شکل‌دهی هویت جنسیتی برای آن‌ها می‌شود. مسئله جنسیت از مسائلی است که نویسندگان مختلف جامعه‌شناسی توجه ویژه‌ای به آن داشته و رویکردهای مختلفی درباره آن مطرح کرده‌اند. برخی رویکردها، تفاوت را زیست‌شناختی و ژنتیکی دانسته و امکان هرگونه تفسیر را رد می‌کنند و در مقابل آن، جامعه‌شناسان هستند که جنسیت را برساخته اجتماعی دانسته و امکان هرگونه تغییر را در مفاهیم مربوط به آن ممکن می‌دانند (Stuart Mill, ۱۸۶۹). راپاپورت مناسبات جنسیتی را به‌عنوان بخشی از عوامل فرهنگی-اجتماعی می‌داند که در نحوه شکل‌گیری خانه نقش دارد. «خصوصیاتی مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن هر دوره تاریخی موثر بوده‌اند» (Rappaport, ۱۹۶۹: ۶۰-۶۳). به اعتقاد وی، عامل فرهنگ که شامل اعتقادات مذهبی، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد است، نقش مؤثری در سازمان تقسیمات فضایی مسکن داشته است (Rappaport, ۱۹۶۹: ۴۷). اریسکون کاربرد اجتماعی سکونت را به‌عنوان ابزاری می‌داند که امکان باهم انجام‌دادن فعالیت‌ها را برای مردم به‌وجود می‌آورد و یا می‌تواند برای فعالیت‌های جمعی مانع باشد (Erickson, ۱۹۹۴: ۱۲۵). در نظر پالاسما، خانه را نمی‌توان یک‌باره پدید آورد و کیفیات جوی محیط اکتفا نکرده و باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که درونش جریان می‌یابند را نیز آشکار سازد (شولتز و همکاران، ۱۳۹۸). به‌طور کلی جامعه، اقلیم، فرهنگ و سبک زندگی از سویی بر ساختار جنسیت و از سوی دیگر، بر ساختار مسکن تأثیر دارند (ورمقانی، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۳۴). در جامعه سنتی جنسیت در ارتباط با شیوه‌های معیشت و ساختار مسکن نیز در ارتباط با تعریف جنسیت، دارای زیر مولفه‌هایی است که در نمودار ۲ معرفی شده است.

نمودار ۳- مؤلفه‌های مرتبط با سبک زندگی و جنسیت



(منبع: نگارندگان)



نمونه دیگر از حفظ سلسله‌مراتب در خانه‌های سنتی ایران در برابر افراد غریبه و مهمانان، پوشیدگی درونی خانه‌ها می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که خانواده هیچ‌گاه در معرض دید مهمانان نامحرم قرار نمی‌گرفتند و فضاهای خصوصی خانه همچون آشپزخانه، سرویس‌ها و اتاق‌های استراحت را که بانوان بیشتر از آن استفاده می‌کردند؛ چنان طراحی می‌شدند که در معرض دید عموم نباشند. اهمیت این مسئله چنان بوده است که الکساندر در الگوی شماره ۱۲۷ خود، به فضای خصوصی اشاره نموده که ملاقات با افراد غریبه و دوستان در صورتی اتفاق می‌افتاد که حریم‌های شخصی افراد حفظ شود. "وی معتقد است که فضاهای داخلی و خارجی یک ساختمان را باید به‌نحوی طراحی کرد که با یک ورودی شروع شود؛ به عمومی‌ترین بخش آن رسید و سپس به حریم‌های خصوصی و بالاخره به خصوصی‌ترین مناطق رسید" (الکساندر، ۱۳۹۰).

### ۳. سبک زندگی در دوره قاجار

بسیاری از تحقیقات در حوزه فرهنگ و شکل خانه، در میان عوامل فرهنگی، به نقش "آداب و رسوم"، "شیوه‌های زندگی"، "حریم و محرمیت" در تعیین شکل خانه توجه داشتند [Marcus, ۲۰۰۳]. به‌عنوان مثال، نقش نمادین زن در آداب و رسوم می‌تواند موجب تعدیل یا تشدید کنش‌های مبتنی بر سلطه گردد. همچنین حریم و محرمیت که براساس حفاظت از زن شکل گرفته است، با قدرت، جنسیت و مذهب مرتبط است. این موضوع را به‌صورت واضح و شفاف می‌توان در خانه‌های اردبیل مشاهده نمود که در اردبیل در دوره قاجار به‌علت شرایط موجود (مذهب و اعتقادات بسیار متعصبانه) به باور و نگرشی مبتنی بر نظام پدرسالاری موجب تشدید در کنش‌های تعیین "قلمرو" می‌باشد. «تعیین قلمرو موجب احساس امنیت و اطمینان خاطر در انسان بوده و او خود را تحت حمایت محیط می‌یابد. یکی از عملکردهای قلمرو این است که موجب می‌شود تا فرد احساس خود را منجسم نماید». همچنین دیگر متغیرها چون "خلوت" یا "موقعیت اجتماعی فرد" نیز بر این مقوله اثرگذار خواهد بود (کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). شیوه زندگی نزد خانواده‌های طبقه کارگر شکلی بسیار ساده داشت و نزد خانواده‌های طبقه مرفه شکلی قدری پیچیده؛ که نیاز به میزان معینی از برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و سازماندهی داشت (جامعی: ۱۳۶۹). مایحتاج خانواده، بسته به میزان ماندگاری و در دسترس بودنش، به‌صورت سالانه، ماهانه یا روزانه تهیه می‌شد (واتسن، ۱۳۵۶: ۲۸-۲۹) و زنان برای خرید مواد غذایی از خانه خارج نمی‌شدند؛ نه زنان طبقات بالای اجتماع و نه زنان طبقات پایین اجتماع. در خانه‌های اشراف، ناظری بود که مسئول خرید مایحتاج خانوار بود. در خانواده‌های طبقات کارگر، مرد خانه، خریدها را انجام می‌داد (شایسته‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۹). عموماً نقش زنان در گرداندن خانه محدود می‌شد به فعالیت‌هایی که در داخل خانه انجام می‌گرفت. البته زنان نیز از فروشندگان دوره‌گرد خریدهایی می‌کردند (اوبن: ۱۳۹۰).

۴- الگوی شماره ۱۲۷ الکساندر به نام «گردایان صمیمیت» معروف است. لکساندر در این الگو مطرح می‌کند که در هر ساختمان توجه به سلسله‌مراتب فضای عمومی به خصوصی بسیار بااهمیت است. در هر ساختمان، مردم نیاز به تنظیمات دارند که با توجه به درجات مختلف صمیمیت شکل گرفته است. اتاق خواب یا خلوت صمیمی‌ترین فضا است که به ترتیب بعد از آشپزخانه، آن فضاهای عمومی‌تری نظیر اتاق مطالعه، فضای نشیمن و ورودی خانه که عمومی‌ترین بخش خانه است، قرار نهایتاً فضای پذیرایی و دارند. زمانی که همچنین گردایانی وجود داشته باشد، مردم می‌توانند در موقعیت‌های مختلف به دقت رفتار کنند.

محل‌های خاصی بود که می‌شد مایحتاج خانواده را از آنجا تهیه کرد. بازار، محل اصلی عمده‌فروشی هر کالا، محل جزئی‌فروشی برخی از کالاها و محل عرضه برخی از خدمات بود (Hendrix, ۲۰۰۹). کالاها و هر صنعتی، بخشی مخصوص به خود در بازار داشت. علاوه بر این بازارچه‌ای هم در هر محله، وجود داشت که مردم از مغازه‌های آن مایحتاج خوراکی روزانه خود را تهیه می‌کردند (Marcus, ۲۰۰۶). یکی از مکان‌هایی که باید در هر بازارچه وجود می‌داشت، قهوه‌خانه بود. جایی که مردانی که برای خرید به بازارچه آمده بودند، می‌توانستند در آن استراحت کنند، چای بنوشند و گپ بزنند. در حاشیه هر محله، جایی بود که به آن گذر می‌گفتند. آنجا نیز مجموعه‌ای از چند مغازه وجود داشت. از نانوايي گرفته تا بقالی، قصابی، سبزی‌فروشی و عطاری. مردم مایحتاج روزانه خود را از این مغازه‌ها نیز تهیه می‌کردند (گرانتوسکی: ۱۳۸۵).

اوضاع اجتماعی دوره قاجار، علی‌رغم تمدن و فرهنگ کهنسال دیرین تقریباً یک جامعه قرون وسطایی با تعصبات ملی و مذهبی شدید بر روح و فکر اکثریت قریب به اتفاق این جامعه بود، مردم سخت پای‌بند آداب و سنت و رسوم ملی و شعائر مذهبی خود بوده و از هرگونه نفوذ و تأثیر شیوه جدید زندگی و تمدن غرب برکنار مانده بودند. عدم تماس با اروپائیان، تنها به دلیل تقویت مذهب و تظاهر شدید به دینداری و تعصب، آن‌ها را از معاشرت با همسایگان مسلمان خود مثل عثمانی نیز دور نگه داشته و آن‌ها را فقط به خاطر پیروی از طریقه سنت، دشمن خویش می‌پنداشتند (ناری قمی: ۱۳۹۳).

#### ۴. تشریح شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان در دوره قاجار

سخن گفتن از وضعیت زنان طبقات متوسط و پایین‌تر شهری ایران در دوران پیش از مواجهه با مدرنیته (یعنی قاجار و پیش از آن) با توجه به کمبود اسناد و شواهد تاریخی بسیار دشوار است. اندک اطلاعاتی که از آن دوران در دست داریم یا برگرفته از دست‌نوشته‌های زنان دربار و اشراف پس از اندک آشنایی‌شان با مدرنیته از طریق آموزش و پرورش است یا برگرفته از نوشته مردان درباری مانند اعتمادالسلطنه است که دورادور نگاهی به زنان اندرونی داشته و با نگاهی نقدآمیز روزگار آن‌ها را مورد کاوش قرار داده است. وجه مشترک تمامی این موارد این است که همه به زنان طبقات اشراف و اعیان پرداخته‌اند. سفرنامه‌های خارجی نیز منابع ارزشمندی در این زمینه هستند؛ زیرا نگاه بیشتری به جزئیات زندگی معمولی زن ایرانی، هرچند با عینک متفاوت فرهنگی، داشته‌اند (شیرودی، ۱۳۹۱). فیگوئورا<sup>۵</sup> درباره تفاوت موقعیت زنان در اقصای مختلف می‌نویسد: «زنان و دختران پیشه‌وران و طبقات پایین، گذشته از محجبه‌بودن، در شهر گروهی حرکت می‌کردند. یعنی دسته جمعی به گرمابه و تفریح و تماشا می‌رفتند. اما زنان متعین و متشخص هیچ‌گاه از خانه بیرون نمی‌رفتند و همواره مورد مراقبت قرار می‌گرفتند و خودشان حمام خصوصی داشتند» (فیاضی، ۱۳۸۸).

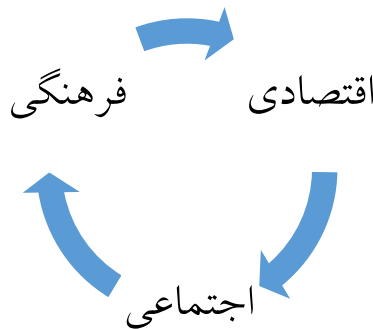
با مشاهده تاریخ ایران می‌توان چنین برداشت کرد که زندگی اجتماعی زنان همواره دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و با اینکه نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شدند، همواره با ناعدالتی‌ها و تحقیرهای فراوانی مانند: منزوی بودن و بی‌پناه‌ماندن در اثر بی‌مهری شوهران، نداشتن آگاهی کافی از حقوق اجتماعی خود، عدم آموزش درست و فراگیر

<sup>۵</sup> -دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (D.Garcia de Silva Figueroa) سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول بود. که در سال ۱۶۱۴ م به عنوان سفیر فیلیپ سوم به دربار شاه عباس کبیر اعزام شد.

روبه‌رو بودند. مردان فعالیت‌ها و امورات خود را مهم می‌دانستند و مشغله زنان را بی‌اهمیت می‌شماردند (وحدت‌طلب، ۱۳۹۸: ۴۷۹-۴۵۹).

با روی کار آمدن سلسله صفوی و حاکم شدن بیش از پیش روابط فئودالی زراعی و با رواج تعصبات و خرافات شدید مذهبی بار دیگر زمینه تزلزل مقام زن در جامعه ایران فراهم می‌آید (نوابخش، ۱۳۶۵: ۴۰۰). موقعیت زنان در اکثر موارد براساس موقعیت اجتماعی مردان تعیین می‌شد و تقریباً همگی آنان زیر سلطه مردان بودند. زنان اغلب از زیبایی یا هوش خود یا موهبت دیگری استفاده می‌کردند تا در نظر همسر خود دلربا جلوه کنند و از این‌رو، هرگز نمی‌توانستند عنوان یا شخصیت و موقعیت اجتماعی مناسبی برای خود دست‌وپا کنند (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۸).

نمودار ۴- عوامل مؤثر بر رابطه جنسیت و فضا



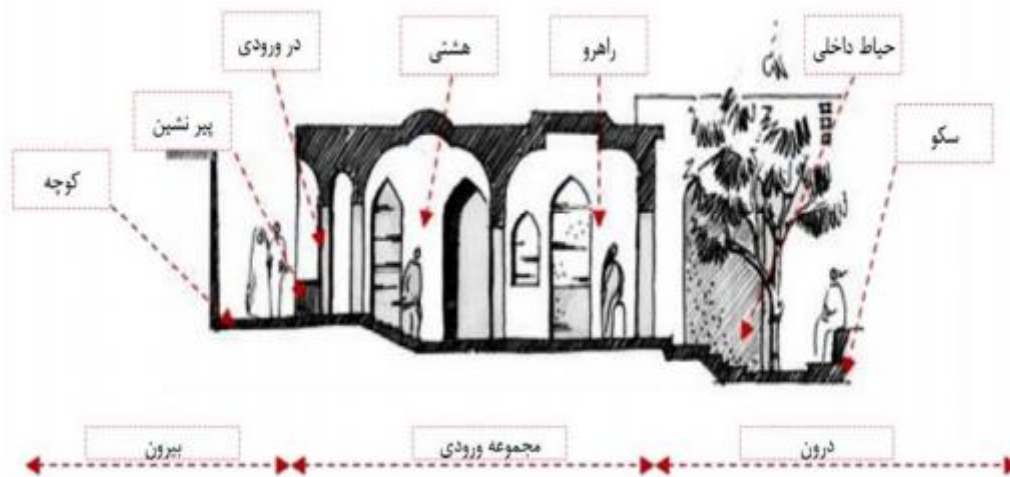
منبع: نگارندگان

## ۵. قلمروهای جنسیتی در معماری خانه‌های تاریخی ایرانی

موضوع مهم در زمینه رابطه جنسیت و فضا، چگونگی شکل‌دادن به عرصه‌های جنسیتی است که در قالب تفکیک یا پیوستگی عرصه‌های عمومی و خصوصی و درجه محصوریت فضاها، نمود کالبدی می‌یابد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱). در خانه‌های اردبیل زنان به‌طور دائم و در تمام ساعات روز در فضای اندرونی به‌سر می‌بردند؛ درحالی‌که رفت و آمد اهل خانه در قلمروهای عمومی، زمان و شرایط خاص خود را داشته است و بر حسب عرف اجتماعی، تخطی از آن مجاز نبوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵). رابطه جنسیت و فضا در خانه‌های اردبیل در ترکیب اندرونی و بیرونی، موانع صلب و دیوارهای بلند شکل گرفته است (صفری، ۱۳۷۰). اگرچه درون‌گرایی خانه‌های اردبیل در مقایسه با خانه‌های دیگر تا حد زیادی به الزامات اقلیمی مربوط می‌شود، اما شیوه قرارگیری مطبخ و فاصله آن با مهمان‌خانه و نحوه استفاده از پنجره‌ها در مطبخ و زاویه دید، رابطه مستقیم با تعریف جنسیت در فرهنگ اردبیل دارد.

ساختار مسکن در طول تاریخ، همواره در حال شکل‌پذیری و تحول بوده و از هزاران پدیده و عوامل اقتصادی، محیطی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و آیینی تأثیر پذیرفته است (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۸۲). مسکن که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده است، صرفاً یک ساختار کالبدی نیست؛ بلکه پدیده‌ای فرهنگی است و هدف آن ایجاد یک واحد اجتماعی سنتی، براساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است و بدون آگاهی از آن‌ها، محیط‌های سنتی قابل درک نخواهد بود (هروی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵-۱۵). از سوی دیگر، مفهوم مسکن به‌عنوان کانون زندگی خانوادگی برای انسان در زمان و مکان، همواره متفاوت بوده است و این مفهوم تابع انتظارات و توقعات از ساکنان و پاسخ‌ها به آن بوده است. بنابراین تنوع الگوهای مسکن و معماری برآیند عوامل طبیعی، تاریخی، جغرافیایی، فلسفی، دینی، هنری و زیبایی‌شناسی انسان‌هایی است که در یک بستر تاریخی طولانی، آن‌ها را ابداع و خلق کرده‌اند (ناری قمی و همکاران، ۱۳۹۵).

تصویر ۱- توجه به نداشتن دید مستقیم از ورودی به حیاط و فضاهای داخلی و رعایت سلسله‌مراتب در خانه‌های قدیمی

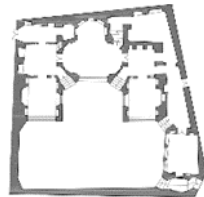
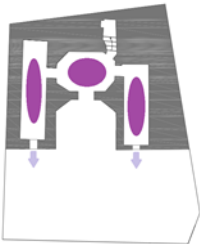
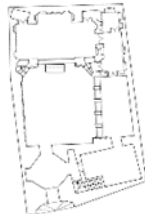
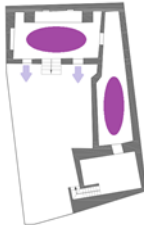

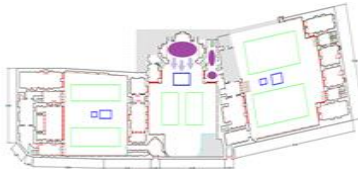
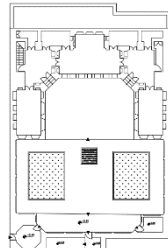
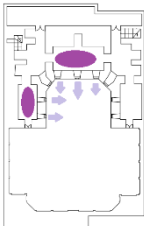
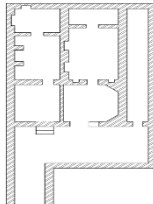
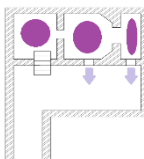
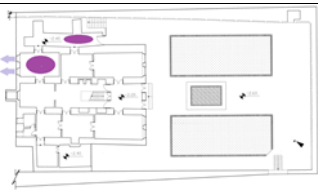
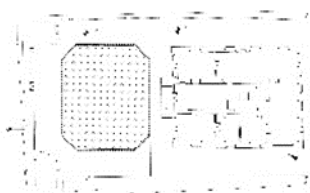


(منبع: نیری فلاح و همکاران، ۱۳۹۲)

## ۶. بررسی جنسیت در مطبخ خانه‌های قاجاری اردبیل

در اینجا به تحلیل و بررسی جامعه آماری که همان خانه‌های قدیمی شهر اردبیل می‌باشند، می‌پردازیم. در ابتدا هر خانه را معرفی کرده و پلان موجود را نشان داده، قدمت خانه را بیان کرده و در نهایت با رنگ بنفش محل مطبخ نمایان شده است که بیننده اطلاعات اولیه را به دست آورد تا بتواند تصویر ذهنی از جامعه آماری داشته باشد. با توجه به بررسی اولیه می‌توان اینگونه پنداشت که جنسیت سهم بزرگی در معماری خانه داشته و تأثیرپذیری آن را می‌توان در پلان‌ها مشاهده کرد. به نظر می‌رسد که مجزای بودن آشپزخانه‌ها و دسترسی جداگانه این مکان امری بداهه نبوده است؛ چراکه در همه پلان‌ها این حس محرمیت با اشکال متفاوت رعایت شده است.

جدول ۲- معرفی خانه‌های مورد مطالعه (با اکتساب محل قرارگیری آشپزخانه و زاویه دید به بیرون)

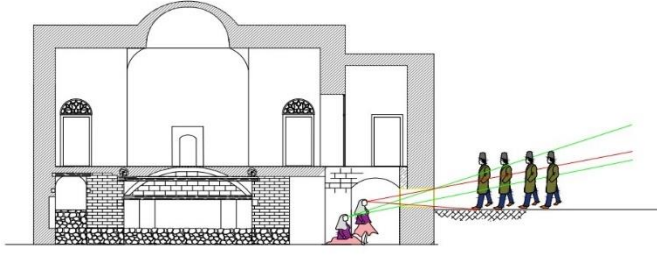
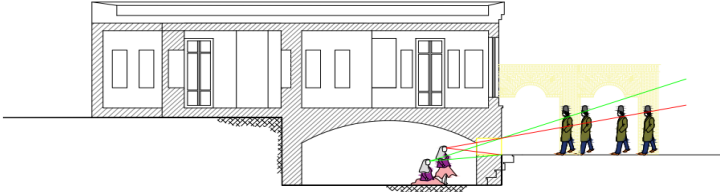
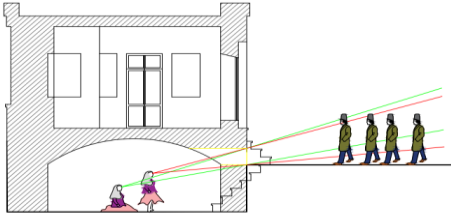

نام خانه	پلان همکف	پلان زیرزمین (رنگ بنفش محل آشپزخانه)	توضیحات
ابراهیمی			قدمت: زنده آشپزخانه در زیرزمین با دسترسی جداگانه
ارشادی			قدمت: قاجاریه آشپزخانه در زیرزمین با دسترسی جداگانه
صادقی			قدمت: صفویه، قاجاریه آشپزخانه در زیرزمین با دسترسی جداگانه
خلیل زاده			قدمت: قاجاریه آشپزخانه در زیرزمین قرار گرفته و با دسترسی جداگانه
آقازاده			قدمت: قاجاریه آشپزخانه در زیرزمین قرار گرفته و با دسترسی جداگانه
نام خانه	پلان همکف (رنگ بنفش محل آشپزخانه)	پلان طبقه اول	توضیحات
مناف زاده			قدمت: قاجاریه آشپزخانه در همکف با دسترسی جداگانه

(منبع: نگارندگان)

## ۶/۱. زاویه دید از داخل مطبخ به محیط خارج

در اینجا سعی شده است که با استفاده از مقاطع خانه‌ها و نشان دادن زاویه دید خانم‌ها در مطبخ نسبت به محیط خارج، به این نکته توجه شود که خانم‌ها در داخل دید و منظر مناسبی نسبت به محیط خارج داشته‌اند. خانم‌ها که اغلب ساعات روز را در مطبخ می‌گذرانند پس می‌بایست به‌گونه‌ای از ورود و خروج افراد به منزل آگاهی پیدا میکردند پس به‌نظر می‌رسد که دلیل گذاشتن پنجره‌ها در مطبخ به‌گونه‌ای که فقط دید از داخل به بیرون باشد بی دلیل نبوده است. با دقت و بررسی بیشتر می‌توان چنین در نظر گرفت که در زمان‌های قدیم جنسیت در محل قرارگیری مطبخ و معماری آن تأثیر داشته است.

جدول ۳- پلان و مقاطع خانه‌های انتخاب‌شده (با اکتساب موقعیت آشپزخانه و زاویه دید)

خانه‌ها	مقطع	تحلیل زاویه دید بانوان در داخل مطبخ نسبت به محیط بیرون
ابراهیمی	مقطع	
آقازاده	مقطع	
ارشادی	مقطع	
منافزاده	مقطع	

	مقطع	خلیل زاده
	مقطع	صادقی

(منبع: نگارندگان)

## ۶/۲. بررسی زاویه دید افراد در خارج خانه نسبت به داخل مطبخ

در اینجا سعی شده است که زاویه دید افراد خارج از خانه نسبت به افراد داخل مطبخ نشان داده شود. همان طور که مشاهده می شود افراد در محیط خارج دید بسیار کمی به داخل مطبخ داشته اند که چه بسا آن حداقل دید هم به علت تاریکی محیط مطبخ به ناممکن هم تبدیل می شد. در تمامی پلان ها می توان این برداشت را داشت.

حال با دقت بیشتر به این موضوع که در زمان های قدیم به علت اوضاع اجتماعی آن دوره محرمیت (جنسیت) تأثیر بسیار زیادی بر معماری به خصوص مطبخ داشته است، بیشتر قابل لمس خواهد بود.

جدول ۴- پلان و مقاطع خانه های انتخاب شده (با اکتساب موقعیت آشپزخانه و زاویه دید)

تحلیل زاویه دید افراد در بیرون نسبت به مطبخ	خانه ها	
	مقطع	ابراهیمی
	مقطع	آقازاده

	مقطع	ارشادی
	مقطع	منافزاده
	مقطع	خلیلزاده
	مقطع	صادقی

(منبع: نگارندگان)


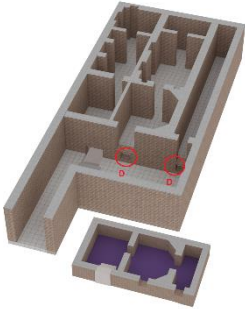

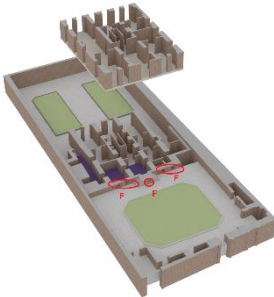
### ۶/۳. تصاویر سه بُعدی از خانه‌ها و محل دقیق مطبخ و بازشوها

برای درک بیشتر نکات گفته شده در جداول پیشین، سعی شده است که با ترسیم خانه‌ها به حالت سه بُعدی و نمایان کردن محل دقیق مطبخ و پنجره‌ها، نگاه دقیق معماران قدیم را به بحث جنسیت و محرمیت دقیق تر نشان داده شود. برای این منظور در تصاویر جداگانه‌ای محل دقیق مطبخ، تعداد پنجره‌ها، نمای پنجره و ... نشان داده شده است. که با بررسی بیشتر می‌شود به صحت و درستی یافته‌ها و نتایج اشاره داشت.



جدول ۵- تصاویر سه بُعدی از نمونه‌های موردی (جانمایی مطبخ در تصاویر سه بُعدی)

نام خانه	محل دقیق آشپزخانه	بزرگ نمایی پنجره های مطبخ	توضیحات
ابراهیمی		بزرگ نمایی پنجره B 	مطبخ در زیرزمین بوده است که با رنگ بنفش دیده میشود. در تصویر طبقه همکف بازشوهای مطبخ دیده میشوند.
ارشادی		بزرگ نمایی پنجره A 	مطبخ در زیرزمین بوده است که با رنگ بنفش دیده میشود. در تصویر طبقه همکف بازشوهای مطبخ دیده میشوند.
صادقی		بزرگ نمایی پنجره C 	مطبخ در زیرزمین بوده است که با رنگ بنفش دیده میشود. در تصویر طبقه همکف بازشوهای مطبخ دیده میشوند.
خلیلزاده		بزرگ نمایی پنجره E 	مطبخ در زیرزمین بوده است که با رنگ بنفش دیده میشود. در تصویر طبقه همکف بازشوهای مطبخ دیده میشوند.

<p>مطبخ در زیرزمین بوده است که با رنگ بنفش دیده می‌شود. در تصویر طبقه همکف بازشوهای مطبخ دیده می‌شوند.</p>	<p>بزرگ نمایی پنجره D</p> 		<p>آقازاده</p>
<p>مطبخ در همکف بوده است که با رنگ بنفش دیده می‌شود. در تصویر طبقه اول بازشوهای مطبخ نمایان شده‌اند.</p>	<p>بزرگ نمایی پنجره F</p> 		<p>منافزاده</p>

(منبع نگارندگان)

### نتیجه‌گیری

بر اساس نمونه‌های موجود و با تحلیل و بررسی آن‌ها چنین برآمد که با توجه به پلان‌ها، اشرافیت کامل بانوان در مطبخ نسبت به افراد موجود در حیاط با استفاده از پنجره‌هایی با عمق زیاد امری گریزناپذیر بوده است. با دقت در نمونه‌ها به نظر می‌رسد که این امر تصادفی و بدون دلیل نبوده است. بانوان که مدت زمان بیشتری در مطبخ حضور دارند بتوانند از آنجا رفت و آمدها را کنترل کنند. و می‌توان این‌گونه بیان داشت که در دوره‌های پیشین با توجه به اقتضای شرایط اجتماعی آن دوره حس محرمیت یا همان جنسیت تأثیر بسزایی بر معماری خانه‌ها داشته است که متقابلاً سبک زندگی آن دوره متفاوت تر نسبت به حال حاضر می‌باشد و میتوان با دقت در تحلیل این خانه‌ها به این نتیجه رسید.

به نظر می‌رسد که در آن دوره‌ها توجه معماری خانه‌ها بیشتر به گونه‌ای بوده است که افراد موجود در حیاط (محیط خارج) هیچ‌گونه دیدی به داخل مطبخ نداشته باشند و بانوان با کمال آرامش و راحتی به آشپزی مشغول باشند. افراد غریبه که وارد حیاط می‌شوند هیچ‌گونه دیدی به محیط داخل مطبخ نداشته باشند. حتی اگر در یک قسمتی از حیاط می‌ایستادند و داخل مطبخ را تماشا می‌کردند تاریکی فضای مطبخ و عمق زیاد پنجره‌ها اجازه دید را نمی‌داد، و به نظر می‌رسد که این امر تصادفی نباشد زیرا در اکثر خانه‌های قدیمی اردبیل رعایت شده است.

معماری با فرهنگ ارتباط متقابل دارد و فرهنگ هر شهری متأثر از معماری هست، درعین حال معماری هم متأثر از فرهنگ است. همه افراد مذکر و مؤنث جامعه در طول فرآیند اجتماعی شدن، می‌آموزند که گروه خاصی از فعالیت‌ها زنانه و نحوه دیگری از رفتارها مردانه، تلقی می‌شوند. در دوران مختلف تاریخ ایران، تعاریف و دیدگاه‌ها نسبت به زن متفاوت بوده که پارادایم‌های غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آیینی را می‌توان در تحولات این دیدگاه‌ها دخیل

دانست. می‌توان به تغییر در شکل و جانمایی آشپزخانه اشاره داشت. همان‌طور که در جداولی که در قسمت‌های پیشین به آن اشاره شد به نظر می‌رسد می‌توان به این نتیجه رسید که با گذشت زمان و تغییر فرهنگ در جامعه، حس محرمیت و جنسیت و به تبع آن سبک زندگی تغییر کرده و معماری خانه‌ها دچار تغییر بسیاری شده است. یافته‌های پژوهش مشخص می‌سازد که عوامل اجتماعی و جغرافیایی در شکل‌گیری فضاها تأثیرگذار بوده‌اند. با برقراری پل ارتباطی بین معماری سنتی و مدرن می‌توان شیوه‌های منطقی برای آسایش و آرامش انسان‌ها را فراهم آورد. برای این منظور کافی است نگرش جامع و بوم‌گرایانه و با توجه به الگوی موجود در فضاهای سنتی هر منطقه طراحی و اثری نو پدید آورد که معرف هویت ایرانی باشد. به هر روی چه بخواهیم و چه نخواهیم سبک زندگی در حال تغییر و تحول است اما باید به سمتی حرکت کنیم که فرهنگ اصیل ایرانی نیز از معماری خانه‌هایمان رخت برنندد. معماری که در آن حوض بود و ماهی، گل‌های شمعدانی که دورتادور حوض چیده می‌شد، یک هشتی برای ورودی‌ها و جدابودن فضاهای خصوصی و عمومی با یکدیگر، که همگی امری مهم بودند، از بین نرود.

## منابع

## کتاب‌ها

- اوبن، اوژن. (۱۳۹۰). *سفرنامه اوژن اوبن ایران امروز*. ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: نشر علم.
- الکساندر، ک. (۱۳۸۹). *الگوهای استاندارد در معماری*. ترجمه: فرشید حسینی، تهران: نشر مهرآزان.
- تاج بخش، احمد. (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن و فرهنگ در دوره قاجار*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- توانا، مرادعلی. (۱۳۸۰). *زن در تاریخ معاصر ایران*. جلد اول، تهران: نشر برگ زیتون.
- جامعی، بیوک. (۱۳۶۹). *نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل*. تبریز: چاپ تابش، تبریز.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۸۰). *سفرنامه دلاواله*. ترجمه: محمود به فروزی، جلد ۲، تهران: نشر قهره.
- دلریش، بشری. (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه: علی اصغر سعیدی. ناشر: کتابفروشی زوآر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۱). *فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سنفورد، جان. (۱۳۸۵). *بت‌های ذهنی و خاطرات ازلی*. چ ۹، تهران: امیرکبیر.
- سیراد، آیرین. (۱۳۹۵). *در خانه؛ انسان‌شناسی فضای خانگی*. ترجمه: غزنویان و دیگران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه: حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران: طرح نو.
- کاظمی، خدیجه. (۱۳۸۸). *آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره قاجار*. قزوین: نشر اندیشه زرین.
- گرانوسکی، ا. آ؛ داندامایو، م. آ. (۱۳۸۵). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*. مترجم: کیخسرو کشاورزی، تهران: مروارید.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: انتشارات شیرازه.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: نشر افکار.
- نوابخش، ع. (۱۳۶۵). *زن در تاریخ*. تهران: نشر رفرد.
- واتسن، گرنت. (۱۳۵۶). *تاریخ ایران دوره قاجار*. ترجمه: وحید مازندرانی، چ ۴، تهران: سخن.

## مقالات

آزاد ارمکی، مرضیه. (۱۳۹۲). «آپارتمان‌نشینی و آشپزخانه در ایران». *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۳۱)، شماره ۳۱، ۶۳-۷۶.

جلالی، محمود، بنی‌نجریان، صفورا. (۱۳۹۱). «روند تدریجی توسعه حقوق مدنی- سیاسی زنان در ایران از آغاز تا کنون». *فصلنامه سیاست*، ۴۲(۱)، ۱۱۷-۱۳۲.

جهانی، مهناز؛ چنگیز، سحر. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی مد لباس بانوان دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار». *مجله زن در فرهنگ و هنر*، ۹(۳)، ۳۸۵-۴۰۷.

شایسته‌فر، مهناز؛ محمد عبدالکریمی، شهین. (۱۳۹۳). «بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ ق) بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت اورنگ جامی»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۶(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

فیاضی، عمادالدین؛ محمد لاری، مژگان. (۱۳۸۸). «بهداشت روانی و جسمانی زن قاجار به روایت سفرنامه‌نویسان». *نشریه مسکویه*، ۴ (۱۱)، ۱۶۱-۱۷۲.

قلی‌زاده، آذر، (۱۳۸۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی». *پژوهش زنان*، ۲(۲)، ۷۷-۸۸.

کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطان‌زاده، حسین و حبیب، فرخ. (۱۳۹۷). «تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش)». *پژوهشنامه زنان*، ۹(۲)، ۳۳-۷۰.

کیائی، مهدخت، سلطان‌زاده، حسین و حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). «سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا؛ (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین)». *باغ نظر*، ۱۶(۷۱)، ۶۱-۷۶.

ناری قمی، م. (۱۳۸۹). «مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی». *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲(۴۳)، ۸۲-۶۹.

ناری قمی، مسعود (۱۳۹۳). «آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی - فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۵(۳)، ۱۳۳-۱۵۷.

ناری قمی، مسعود؛ امینی، محمدمسعود؛ فروتن، مهدی. (۱۳۹۵). «رفتار تولیدی در خانه (مطالعه موردی: تولید در خانه در قشر مذهبی در شهر قم)». *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴ (۱)، ۱۵-۱.

نیکنامی، کمال‌الدین؛ سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ دژم خوی، مریم. (۱۳۹۰). «درآمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان‌شناسی». *زن در فرهنگ و هنر*، ۲(۳)، ۵-۱۷.

وحدت طلب، مسعود؛ حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد)»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۱(۴)، ۴۵۹-۴۷۹.

ورمقانی، حسنا؛ سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۷). «نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه (مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر)». نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۲۳)، ۱۳۴-۱۲۳.

هروی، حسنیه؛ فلامکی، نحمد منصور و طاهایی، سید عطاالله. (۱۳۹۸). «بازتاب کهن‌الگوی مادر در معماری تاریخی ایران براساس آرای یونگ». مجله علمی-پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، (۷۵)، ۱-۱۵.

#### منابع لاتین

- Anonymous. (۲۰۱۱). The Shahnama of Shah Tahmasp, The Persian Book of Kings, New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Castells, M. (۲۰۰۹). The Power of Identity, Volume ۲, Second edition With a new preface
- Collin, F. (۱۹۹۱). Gender make a world. Presences.
- Colomnin, B. (۱۹۹۲). Gender and Space.
- Davidoff, L., L'Esperance, J., & Newby, H. (۱۹۷۶), Landscape with Figures: Home and Community in English Society, London: in J. Mitchell and A. Oakley.
- Dickson and Welch, S. C., (۱۹۸۱). The Houghton Shahnamah, Cambridge.
- Erikson. (۱۹۹۴). Social Use of Housing P. ۱۲۰-۱۳۵.
- Gholsorkhi, S. (۱۹۹۵). "Pari Khan Khanum: A Masterful Safavid Princess", Iranian Studies, ۲۸(۳), PP ۱۴۳-۱۵۶.
- Gibbons, Judith L., Beverly A., Hamby, & Wanda, D. (۱۹۹۷). «Researching Gender Role Ideologies Internationally and Cross-culturally», Psychology of Women Quarterly, Volume ۲۱.
- Hendrix, J.S. (۲۰۰۹). Psychoanalysis and Identity in Architecture, School of Architecture, Art, and Historic Preservation Faculty Publications.
- Jenkinson, A. (۱۸۸۶). Early voyages and travels to Russia and Persia, ed. Delmar Morgan and C. H. Coote, New York: Burt Franklin.
- Keller, S., Calhoun, C., & Light, D. (۱۹۹۴). Sociology, New York: McGraw-Hill.
- Marcus, C.C. (۲۰۰۳). "The house as a Symbol of the Self". Translated by Ahad Aligholian. Journal of Khia. ۵. Pp. ۸۴-۱۱۹.
- Marcus, C. (۲۰۰۶). House as a mirror of self, Exploring the deep meaning of home, Conari Press.
- Orhun, D., Hillier, B. & Hanson, J. (۱۹۹۵). "Spatial Types in traditional Turkish Houses". Environment and Planning B. ۲۲ (۴). Pp. ۴۷۵-۴۹۸.
- Parker, S. (۲۰۰۴). Urban theory and the Urban experience: encountering the city. Parker, London: Routledge.
- Rappaport, A. (۱۹۶۹). House Form and Culture, United State of America, University of Wisconsin Milwaukee.

Ritzer, G., et al. (۱۹۷۹). *Sociology*. Allyn & Bacon Inc, New York.

Shirazi, F. (۲۰۱۶). "Women's Sexuality: the Safavid Legacy", *Anthropology Research*, (۳), PP ۵-۱۵.

Simpson, M. Sh. (۱۹۹۸). *Persian Poetry, Painting and Patronage, Illustrations in a Sixteenth/ Century Masterpiece*, New Haven-London: Yale University Press.

Sirna, K. (۱۹۸۴) *Visiting People of Iran. La Serena's Business Letter Journey*

South, J., & Spitze, G. (۱۹۹۴). *Household in Marital & Non marital Households*, *American Sociologist Review*, Vol. ۵۹.

Stuart Mill, J. (۱۸۶۹). *The title page of first print of Subjection of Women*

Thiis-Evensen, T. (۱۹۸۹). *Archetypes in Architecture*, Oxford :Norwegian University Press.

Titely, Norah M. (۱۹۸۳). *Persian Miniature Painting and its Influence on the Art of Turkey and Asia*. London: The British Library, Reference Division Publication.

Welch, S. C. (۱۹۷۲). *A King's Book of Kings: The Shah Nameh of Shah Tahmasp*, London, Thames and Hudson. *The Archetype of Home and Secure Attachment to Self and Others: A Foundation for Individuation*, Submitted in partial fulfillment of the requirements, for the degree of Master of Arts in Counseling Psychology, Pacifica Graduate Institute.